

روزنه

۲ نامه تاریخی

یکی از مهم‌ترین نامه‌های دکتر هشترودی نامه به برتراند راسل است که بین این دو دانشمند ردوبدل شده است. نامه‌ای که هنوز ارزش تاریخی‌اش را از دست نداده است.

نامه راسل به هشترودی

دکتر هشترودی عزیز  
این جانب اخیراً، در مورد غیراتمی‌کردن کشورهای منطقه مدیترانه، نماینده‌ای را به کنفرانس الجزیره، بنیاد صلح برتراند راسل در نتایج بسیار مفیدی به دست آمد و من امیدوارم که افکار جامعه بین‌المللی علیه خطر انتشار و توسعه بیشتر سلاح‌های اتمی بسیج شود. در جهت بسط نتایج کنفرانس الجزیره، بنیاد صلح برتراند راسل در صد برگزاری کنفرانسی در آینده نزدیک، در زمینه غیراتمی‌کردن منطقه خاورمیانه و ارزیابی دورنمای چنین توسعه‌های است. ما درصدد آن هستیم که برای این کنفرانس از بسیاری از قسمت‌های جهان، شخصیت‌های ممتاز و افراد نخبه‌ای را که در زمینه صلح فعالیت می‌کنند، به‌عنوان اعضای شرکت‌کننده، دعوت کنیم.

آقای عزیز

با نهایت خوشوقتی نامه احترام‌برانگیز مورخ ۶ اکتبر ۱۹۶۴ شما را دریافت کردم. بسیار خوشحالم به آگاهی شما برسانم که مدت مدیدی است از هدف فکری شما در مورد ایجاد یک بنیاد صلح حمایت می‌کنم. اگرچه عدم آگاهی از فعالیت‌های عملی شما در زمینه برنامه‌های بنیاد، سبب عدم حضور این‌جانب در جلسات شما بوده است معذرت با یگانگی کامل و از اعماق وجودم، با شما هم‌صدایی می‌کنم. خواهشمندم حضور مرا در جمع خود به حساب آورید و مراتب احترام مرا به انجمن خود مورد پذیرش قرار دهید. در رابطه با پیشنهاد شما برای مسافرت، لازم است به اطلاع برسانم که شرایط خاصی که در حال حاضر وجود دارد، سبب شده است که نتوانم در جلسات مزبور شرکت کنم و بنابراین استدعا دارم که مراتب عذرخواهی مرا از اینکه نمی‌توانم در این مورد همکاری کنم، بپذیرید. آقای عزیز، ضمن عذرخواهی مجدد، استدعا دارم مراتب تعهد روح و جسم مرا در رابطه با تعقیب هدف مشترکمان پذیرفته و ایثار و خلوص نیت مرا در این مورد مدنظر داشته باشید.

دکترم، هشترودی  
ادامه در صفحه ۱۰

گفت‌وگو با فریبا هشترودی

آنان در صورت حیات حامی برجام بودند



فیلسوف و ریاضی‌دان مشهور، نصب شده است و در دیگری سنگ یادبود بلز پاسکال. تفاوت این دو فیلسوف در آن بود که یکی جامعیت داشت و جامع‌نگر بود و دیگری فقط از دریچه ریاضی به جهان می‌نگریست و به تعبیری تک‌بعدی و جزئی‌نگر بود. پدرم با آنکه یک ریاضی‌دان بود، اما مثل دکارت جزئی‌نگر نبود. دکارت برای آنکه پدیده‌ها را تجزیه و تحلیل کند، آنها را به تصورات واضح و متمایزی که تشکیل‌دهنده آن کل هستند، تقسیم می‌کرد و شناسایی را چنین تعریف می‌کرد. آری شاکاگری او در نجات از شکاکیت‌های فزاینده این بود که آنها را به تصورات بسیطر و جزئی‌تر تقسیم کند و این امر جوهره «کوزینوتی دکارتی» را تشکیل می‌داد. اما پروفیسور محسن هشترودی مانند پاسکال بینشی گشتالتی داشت.

تفکیک درستی میان جهان‌بینی کلی امثال پاسکال و جهان‌بینی دکارتی که دنیا متجدد در دوره مدرنیسم راه او را انتخاب کرده است، قابل شدید. باید سؤال کنم ناهنجاری‌های جامعه مدرن تا چه اندازه وامدار این انتخاب است؟

اجازه دهید ابتدا بحث پیشین را به جایی برسانم و سپس به این سؤال شما بپردازم که دغدغه اصلی مرحوم هشترودی نیز بوده است. پروفیسور محسن هشترودی همان‌طور که گفتم تک‌بعدی نبود. اگرچه ریاضی‌دان نابغهای بود و شاید چنان که گفته شده در این زمینه در ایران حرف اول را می‌زد، اما هم‌زمان ادیب و شاعر نیز بوده است. اصولاً ادبیات به انسان جامعیت می‌بخشد. کار اصلی من نویسندگی است و این را خوب می‌دانم که در ادبیات همه چیز نهفته است و امکان ندارد کسی با شعر و

گزارش

سخنرانی زاک دوبوک، فیلسوف فرانسوی درباره هشترودی

در فرصت کوتاهی که برایم در نظر گرفته شده، امکان توضیح کاملی درباره رساله محسن هشترودی وجود ندارد. استاد تومانیان، دانشجوی سابق پروفیسور هشترودی، احتمالاً موارد بیشتری در این‌باره خواهد گفت. آنچه به من مربوط است، بیان نکاتی از رابطه یافته‌های محسن هشترودی در پاریس با یافته‌های چرن در هامبورگ است. نتیجه عمومی یافته‌های آنها، همان التصاق مشهور چرن-هشترودی است: اگر موقعیت مشخص هندسی به نتیجه رسیده، پس موقعیت دیگری نیز می‌تواند به نتیجه برسد. تفاوت بین دو ریاضی‌دان در این است: چون به نظر بسیاری از متخصصان از روشی بسیار هم‌چوار با روش‌های هندسی استفاده کرده و یک «قضیه جود» را پایه‌ریزی می‌کند، حال آنکه محسن هشترودی یک «نتیجه ساختاری» ارائه می‌دهد. محسن هشترودی به این اکتفا نمی‌کند که «وجود» را اثبات کند، بلکه به محاسبه پارامترهایی که «موقعیت نهایی» را تعریف می‌کنند، می‌پردازد. این امر کاملاً در سنت فرانسوی کارتان قرار دارد. سنتی که همواره نزدیک به دلستگی‌های محاسباتی فیزیک‌دانان است. هشترودی چندین‌بار، انیشتین را ملاقات کرده و می‌دانست که فیزیک‌دانان نیازمند محاسبات دقیق‌اند. اختلاف فاحش بین «اثبات جود» (این چیز مطمئن است، پس وجود دارد) و یک ساختار روشن. (اینک این چیز، نشان‌تان می‌دهم) موجود است). در قلمروی بسیار ساده به قضیه ژل، فکر کنید. ژل تابع پیوسته‌ای را تعریف می‌کند که در a و b به صفر می‌رسند و دارای ماکسیممی بین a و b است که محل آن مشخص نیست؛ درحالی‌که مایل به دانستن آن هستیم. کاربرد قضیه ژل در نظریه‌های مالی، به منحنی مشهور لیفر منتج شده است؛ در صورتی‌که فشار مالی صفر باشد، چیزی داخل منحنی نمی‌شود؛ در صورتی‌که فشار به صد درصد برسد نیز، هم هست. حال با فرض اینکه عوامل اقتصادی به‌گونه‌ای پیوسته به تغییرات پیوسته فشار اقتصادی پاسخ بدهد، یک نرخ «بهینه تحمیلی» بین این دو درصد وجود دارد؛ ولی کدام، معلوم نیست. بسیاری از وزیران آرزومندند که قضیه ژل به یک نتیجه کاربردی برسد... مایلم سخنانم را با دو نکته مشخص به پایان برسانم: یک: باید کتاب جامعی درباره این ریاضی‌دان بزرگ نوشته شود. نهنتها ریاضی‌دان؛ بلکه فیلسوف، شاعر، مدیر دانشگاهی و خدمتگزار مردم.

با وجود غنای اندیشه شرقی، غلبه در سده‌های اخیر با بینش غربی بوده است چراکه آن بینش توانست برای بشر رفاه و اقتصاد همراه بیاورد و شرق با کج‌روی‌های خرافی و انحرافی از معنویت خود دور شد. سخن‌گفتن جامع در این خصوص مجال موسعی می‌طلبد و فرصت تأمل بیشتری نیاز دارد که اقتضای طرح در یک مصاحبه را چندان ندارد. ولی این مقدمات را مطرح کردم تا بگویم پروفیسور هشترودی دیدی جامع داشت و به‌واسطه غرق‌بودن در فضای ادبیات و همچنین هنر در کنار تفکر ریاضی به دیدی جامع و جامعیتی رسیده بود که باعث می‌شد از جزمیت فاصله بگیرد. اگرچه یکی از القانات تفکر ریاضی، نوعی جزمیت‌گرایی است.

اتفاقاً مباحث بسیار مهمی را طرح کردید. ولی اگر صادقانه بگویم باید اذعان کنم که بیشتر کلی‌گویی کرده‌اید.

شاید تعلق شما به جامع‌نگری باعث طرح این مباحث شده است. ضمن آنکه بنده هم بر این دیدگاه صحه می‌گذارم. اما مثال‌های مشخص و ملموسی هم باید برای خوانندگان زده شود. به‌طور مشخص می‌خواهم سؤال کنم که کدام عمل یا نظر پروفیسور محسن هشترودی می‌تواند مؤید دیدگاه شما باشد. موارد بسیاری را می‌توان در این خصوص مطرح کرد. از خصلت‌های شخصی و شخصیتی او گرفته تا مضامین اشعار و مکاتباتش که کتاب آقای عابدی به خوبی به آنها پرداخته و گواه آن است اما یکی از موارد روشن این طرز تفکر، نوع برخوردی بود که با مسئله جنگ و خونریزی در عالم داشت. ایشان تولید تسلیحات مدرن خاصه سلاح‌های اتمی را از عوارض جامعه مدرن می‌دانستند و بر همین اساس نیز برتراند راسل ریاضی‌دان و فیلسوف برجسته انگلیسی از ایشان برای حضور در بنیاد صلح خود که هدف آن بسیج جامعه بین‌المللی علیه خطر انتشار و توسعه سلاح‌های اتمی خاصه در حوزه کشورهای منطقه مدیترانه بود، دعوت به عمل آورد. راسل به تنها کسی که در خاورمیانه نامه نوشت و از او دعوت و استمداد طلبید که با او در زمینه غیراتمی‌کردن منطقه خاورمیانه و منطقه مدیترانه همکاری کند، پروفیسور محسن هشترودی بود. این نامه راسل به پدرم و پاسخ مرحوم پدر به ایشان در آرشیو دانشگاه تهران موجود است. راسل در این نامه نوشت: ما درصدد آن هستیم که برای این بنیاد و کنفرانس‌هایی که برگزار می‌کند شخصیت‌های ممتاز و برجسته جهانی را دعوت کنیم تا صدای رسای این افراد جهت صلح جهانی در سراسر جهان طنین‌انداز شود. ادامه در صفحه ۱۰

ادامه در صفحه ۱۵

N A R O O N

# مرکز خرید نارون

فروش ویژه

همراه با جوایز ارزنده

قرعه‌کشی ۹۷/۳/۲۵ همزمان با عید سعید فطر

نیاوران بعد از چهارراه کامرانیه مرکز خرید نارون